

قرن المنازل و یلملم دو میقات نزدیک مکه

روزبه برکت رضایی*

چکیده

میقات حج

افراد آفاقی به غیر از میقات‌های شجره، جحفه و عقیق، می‌توانند از میقات‌های «قرن المنازل» و «یلملم» نیز احرام ببندند. از آن جهت که در باره این دو میقات قدیمی و نزدیک‌ترین میقات‌ها به مکه، کمتر بحث شده است، این نوشتار بدان اختصاص می‌دهیم. آنچه در موضوع شناسی این دو میقات قابل توجه است؛ «سیل الکبیر» در منطقه قرن‌المنازل واقع است، لیکن اطلاق قرن‌المنازل به «وادی محرم» قابل اثبات نیست. همچنین در مسیر یمن به مکه، فقط در راه تهامه یلملم واقع می‌شود و دو راه دیگر به قرن‌المنازل ختم می‌گردد.

از جهت حکمی، اصل میقات بودن این دو، به استناد روایات متعدد مورد اتفاق فقهای فریقین است و روایات معارض، معرض عنها هستند.

گفتنی است، خدمه کاروان‌ها در ایام حج تمتع که برای امور کاروان با نیت عمره مفرده وارد مکه مکرمه شده و چند روز قبل از آغاز حج می‌خواهند محرم به احرام تمتع شوند، احرام از این دو میقات به خاطر نزدیکی آن‌ها به مکه پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژگان: احرام، میقات، مکه، قرن‌المنازل، یلملم.

* . دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

مقدمه

در شریعت اسلام، برای حج و عمره گزاران، پنج میقات تشریح گردیده است؛ هر چند امروزه ایرانیان همگی از میقات مسجد شجره و جحفه احرام می‌بندند، لیکن با توجه به افزایش روزافزون زائران بیت الله الحرام و تنوع و پراکندگی آنان به جهت داشتن ملیت‌های گوناگون و وجود راه‌های مواصلاتی کنونی و آینده و... بازشناسی موضوعی و حکمی سایر مواقیع نیز دارای درجه اعتبار است.

با توجه به امکانات شهر طائف؛ به ویژه فرودگاه این شهر، برخی از حجاج می‌توانند به جای ورود به جده، به طائف رفته و از آنجا به مکه عزیمت نمایند. طبیعی است میقات‌های اینان «قرن المنازل» و «یلملم» خواهد بود. دو میقات یاد شده، نزدیک‌ترین میقات‌ها به مکه مکرمه هستند و استفاده از آن در برخی موارد برای کارگزاران حج بسیار راه‌گشا است. در این نوشتار، با کاوش در کتب لغت و جغرافی، موقعیت این دو مکان بازشناسی شده و وضعیت فعلی آن مشخص می‌شود، سپس در ادامه، دلایل فقهی بر اثبات میقات بودن آن، با رویکرد فقه مقارن تبیین خواهد شد.

۱. میقات قرن المنازل

قرن - به فتح قاف و سکون راء - در لغت به معنای کوه کوچکی است که از کوهی بزرگ جدا شده و دارای سه راه قدیمی است به نام‌های؛ راه طائف، راه یمن و راه یمامه. در مورد علت نامگذاری «قرن المنازل» گفته‌اند: قرن المنازل، از قرن، با فتح قاف و سکون راء تلفظ می‌شود. بعضی نیز آن را قرن المنازل خوانده‌اند.

فیروزآبادی گوید: قرن، نام قریه‌ای است در طائف، یا نام همه آن وادی است، همچنین قرن منسوب به «قرن بن ردمان بن ناحیه بن مراد» بوده است، (ج ۴، ص ۲۵۸).

جوهری در صحاح اللغه (ج ۶، ص ۲۱۸) «قرن» - به فتح راء - آورده و اوئیس قرنی را منسوب به این منطقه می‌داند. فیومی (ج ۲، ص ۵۰۰)، فیروزآبادی (۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۵۸) و دیگران انتساب به اوئیس قرنی را اشتباه شمرده و شهید ثانی (۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۱۵)، صاحب جواهر (نجفی، ج ۱۸، ص ۱۱۳) و صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۵۹) می‌گویند علما (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۵۲۸) بر اشتباه جوهری در این مطلب صحه گذاشته‌اند؛ در حالیکه در واقع اوئیس یمنی بوده و قرن نیز نام کوهی است که در آن منطقه بوده است.

صاحب کشف اللثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق.، ج ۵، ص ۲۱۶) قرن را کوهی مشرف به عرفات می‌داند. ظاهراً ایشان به تبعیت از فیومی چنین چیزی را نقل کرده است (همو، ج ۴، ص ۲۵۸)، در حالی که عرفات در ۲۲ کیلومتری مکه است و قرن‌المنازل حدود ۷۵ کیلومتر فاصله دارد.

نام دیگر قرن‌المنازل در برخی از متون، قرن الثعالب و قرن بدون منازل ذکر شده است، (فاضل هندی، ج ۵، ص ۲۱۶). شاید جهت اضافه شدن قرن به منازل، این باشد که آن، تنها کوهی است که در منازل مسیر طائف - مکه، که از نخلة یمانیه عبور می‌کند، واقع شده است.

قرن‌المنازل، از منازل و مناطق سر راه حاجیان، از طائف به سمت نخلة یمانیه است. امروزه قرن‌المنازل روستای کوچکی است که، به نام «سیل الکبیر» مشهور است؛ بدین سان که از قریه سیل صغیر که در مسیر طائف یا ریاض به مکه، قرار گرفته، متمایز می‌گردد. در این روستا دو مسجد قدیمی و یک مسجد نوساز به نام «سیل الکبیر» وجود دارد (واقدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۳، ص ۹۲۴) که برای احرام ساخته‌اند که به طور قطع میقات است. (خویی، ج ۳، ص ۲۲۷) این روستا در شمال و ۵۵ کیلومتری طائف و از راه ریاض - مکه هفتاد و پنج کیلومتری مکه مکرمه قرار دارد. بدین گونه که راه ریاض - مکه، در حویه، به سمت راست منحرف شده با عبور از طائف به سیل صغیر و سپس به سیل کبیر می‌رسد.

وادی سیل یا قرن، تا حدود وادی غدیرین، نزدیکی ارتفاعات هدا کشیده می‌شود که در ۳۳ کیلومتری آنجا مسجدی دیگر به نام - وادی محرم - ساخته شده که برخی از اهل سنت در آن محرم می‌شوند ولیکن ظاهراً آنجا خارج از قرن‌المنازل بوده و فقط محاذات با قرن‌المنازل است.

«وادی محرم» در جنوب شرقی مکه قرار دارد و فاصله‌اش تا مکه ۷۶ کیلومتر است، جاده مواصلاتی آن به مکه غیر از جاده السیل الکبیر است. برخی از نویسندگان اهل سنت نیز بر میقات نبودن وادی محرم تأکید داشته و معتقدند افرادی که از میقات قرن‌المنازل می‌گذرند، باید در السیل الکبیر احرام ببندند؛ از جمله این افراد، شیخ عبدالله بن عبدالرحمان الجاسر است (ص ۵۶). همچنین دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان و دکتر معراج نواب مرزا به تفصیل گزارشی در آن رابطه ارائه کرده‌اند (همو، ج ۲۹).

البته پس از بحث و جدل فراوان درباره مشروعیت آن، بالأخره شورای افتاء و محکمه طائف اطلاعیه‌ای صادر و بر میقات بودن آن صحه گذاشت و هم اکنون بنا بر فتوای رسمی

حکومت سعودی، وادی محرم جزو مواقیت محسوب شده و جزئی از قرن‌المنازل قلمداد می‌شود. مجموعه مستندات و شواهد قضایی بر اثبات میقات بودن آن به چاپ رسید. (شیخ محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۹ق.، ج ۵، ص ۲۱۱)

گفتنی است، در مجموع، پنج میقات منصوص؛ ذوالحلیفه، دورترین میقات و سپس جحفه قرار دارد و سه میقات دیگر تقریباً در یک حد بعد مسافت هستند.

اثبات میقات قرن‌المنازل

اقوال فقها؛ درباره میقات قرن‌المنازل، میان فقهای عظام اتفاق است. (نراقی، ج ۱۱، ص ۱۸۵). عموم فقها با کلماتی یکسان که نشان می‌دهد بهره‌مند از عبارت روایات هستند، آورده‌اند: «وَقْتُ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنِ الْمَنَازِلِ» و از جمله به عنوان نمونه؛ شیخ صدوق در المقنع (ص ۲۱۷)، و الهدایه (ص ۲۱۸)، فقه‌الرضا (مروارید، ص ۴)، سلار (ج ۱، ص ۱۰۶)، شیخ طوسی (۱۴۰۷ق.، ص ۲۱۰)، ابوصلاح حلبی (ج ۱، ص ۲۰۲)، ابن زهره (ج ۱، ص ۱۵۴)، محقق (ج ۱، ص ۲۴۱)، علامه در قواعد (ج ۱، ص ۴۱۶)، «شهیداول (ج ۱، ص ۳۴۰)، «صاحب ریاض (طباطبایی، ج ۶، ص ۱۱)، مرحوم نراقی (ج ۱، ص ۱۸۵) و صاحب‌جواهر (نجفی، ج ۱۸، ص ۱۱۳) به میقات بودن قرن‌المنازل تصریح دارند. علمای اهل سنت نیز بر میقات بودن قرن‌المنازل اتفاق دارند. (ابن منذر، ص ۴۵) مبنای آنان روایت جابر (ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۲)، ابن عباس (بخاری، ج ۲، ص ۱۴۲)، ابن زبیر (احمدبن حنبل، ج ۲، ص ۵) و ابن عمر (احمدبن حنبل، ج ۲، ص ۵۰) است. ادله مسأله؛ صحیح ابو ایوب الخراز (کلینی، ج ۱، ص ۲۵۳)، صحیح معاویه بن عمار (کلینی، ج ۴، ص ۳۱۸)، صحیح حلبی (کلینی، ج ۴، ص ۳۱۹) با عبارت یکسان؛ «ووقت لأهل الطائف، قرن المنازل».

و همچنین روایات نهم و یازدهم باب یک ابواب المواقیت بر میقات بودن قرن‌المنازل برای اهل طائف دلالت روشن و کافی دارد.

روایات معارض

سه روایت معارض در این باب وجود دارد؛ این سه، بیانگر این هستند که قرن‌المنازل میقات مردمان «یمن» و «نجد» می‌باشد.

روایت نخست آنکه در صحیح عمر بن یزید آمده است: «ولأهل نجد قرن المنازل» (طوسی، ۱۴۰۷.ق.، ج ۵، ص ۵۶)؛ همچنین در صحیح علی بن رثاب آمده: «لأهل اليمن قرن المنازل» (کلینی، ج ۴، ص ۳۰۸) و در روایت علی بن جعفر نیز فرموده است: «وأهل اليمن من قرن» (حرعاملی، ۱۴۰۳.ق.، ج ۸، ص ۲۲۳)

برای حل این مسأله چند احتمال داده می‌شود:

یک) همان‌گونه که صاحب حدائق (بهرانی، ۱۴۰۵.ق.، ج ۱۴، ص ۴۳۹)، صاحب مدارک (عاملی، ۱۴۱۱.ق.، ج ۷، ص ۲۲۲) و «صاحب جواهر (ج ۱۸، ص ۱۱۳) فرموده‌اند: احتمال دارد اهل نجد و همچنین اهل یمن برای رسیدن به مکه دو جاده و دو مسیر متفاوت داشته‌اند. بنابراین، در مسیر آنها دو میقات قرار داده شده است که یک راه به عقیق و راه دیگر به قرن المنازل برخورد می‌کرده است. (طباطبایی، سیدمحسن، ج ۱۱، ص ۲۶۸)

دو) صاحب حدائق (بهرانی، ج ۱۴، ص ۴۳۹) صحیح عمر بن یزید را حمل بر تقیه کرده است. البته روشن است که دیدگاه صاحب حدائق، جمع بین روایات نبوده و بلکه ترجیح در باب تعارض است.

به طور کلی احتمال دارد از آن‌جهت که در مجامع روایی شیعه به مضمون این دو روایت اشاره‌ای نشده و بلکه این مضامین در روایات اهل سنت آمده است، آن را حمل بر تقیه کنیم. (طباطبایی، سیدمحسن، ج ۱۱، ص ۲۶۸)

البته به نظر می‌رسد؛ وجهی برای حمل بر تقیه نیست؛ چه آنکه با حمل بر تقیه فقط صحیح عمر بن یزید را رفع تعارض می‌توان کرد ولیکن با روش نخست، هر سه روایت رفع تعارض می‌شوند. (سبحانی، ج ۲، ص ۴۷ و ص ۵۰۷)

سه) همه فقها برای اهل نجد و اهل یمن میقات مخصوص دیگری تعیین کرده‌اند و هیچ‌یک به این روایات استناد ننموده و قرن‌المنازل را میقات آنها ندانسته است. روایات متکثر به همراه شهرت نزدیک به اجماع برای اعراض از این سه روایت و در نتیجه اسقاط آنان از حجیت کفایت می‌کند. بنابراین، روایات معرض عنها بوده و بالطبع ما نیز بدان استناد نخواهیم کرد که همانا، «فان المجمع علیه لا ريب فيه» (طوسی، ۱۴۰۷.ق.، ج ۶، ص ۳۰۱)

بنابراین؛ میقات «قرن المنازل»، مربوط به مردمانی است که از «شرق مکه» به سرزمین

وحی عزیمت می کنند. به همین جهت در اکثر عبارات رساله‌ها و متون، به عنوان میقات «اهل طائف» و کسانی که از آن طرف می آیند توصیف شده است.

۲. میقات یلملم

یلملم - به فتح دو لام و یاء - را به صورت «أللملم» - همزه اول -، «یرمرم» - سکون دو راء - نیز ضبط کرده‌اند. (فیروزآبادی، ج ۴، ص ۱۷۷)

لغت شناسان در ریشه این کلمه اختلاف دارند؛ ابن فارس (۱۳۷۱ق.، ج ۶، ص ۱۶۰) و ازهری (تحقیق: عمر سلامی و عبد الکریم حامد، ج ۱۵، ص ۲۵۱) معتقدند که این کلمه در اصل ثلاثی است که حرف «یا» به اوّل آن افزوده شده است؛ اما «ابن منظور» براین باور است که یاء در این کلمه حرف اصلی است و زاید نیست.

جغرافی دانان فاصله یلملم تا مکه را دو مرحله دانسته‌اند. (یاقوت حموی، ج ۵، ص ۴۴۱؛ غیث البلادی، ج ۱۰، ص ۲۸؛ عبدالحق، ج ۱، ص ۱۱۲) هم‌اکنون روستایی کوچک در پایین کوه یلملم قرار دارد، که به علت تغییر جاده متروکه است. در بخش قدیمی «السعدیه» نیز کسی احرام نمی‌بندد ولیکن به تازگی در جنوب غربی آن و با فاصله ۲۵ کیلومتر از منطقه قدیمی مسجدی بزرگ ساخته‌اند که محل احرام می‌باشد (اشجان حمید باصی، ص ۳) و محققان سعودی درباره عدم اطلاق یلملم بر مسجد جدید سخنی نگفته و بنابر فتوای رسمی حکومت و محکمه قضایی آنجا میقات است. (عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان، عدد ۲۹) البته استاد عبدالهادی فضلی مدعی است که این مسجد محاذی یلملم می‌باشد. (همو، ج ۳، ص ۴۶)

به هر حال، این میقات در جنوب شهر مکه واقع شده و حدود ۱۰۰ کیلومتر با مکه مکرمه فاصله دارد که در آن سرزمین مسجد معاذ بن جبل واقع است. (ابن عبدالحق، ج ۳، ص ۱۴۸۲) در برخی از کتب فقهی (ابن ادریس، ج ۱، ص ۵۲۹؛ علامه حلی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ کرکی، ج ۳، ص ۱۵۹) نیز آمده است که یلملم نام کوه است، اما دلیلی بر این معنا اقامه نشده و در واقع، دلیلی بر برتری یک معنا بر دیگری در دست نیست.

از یمین به مکه، به ترتیب سه راه وجود دارد:

۱. راه تهامه؛ همان راهی است که از یلملم می‌گذرد.

۲. راه صنعا - صعده؛ که به ترتیب پس از عبور از بیشه، وادی تربه و قرن المنازل به مکه منتهی می شود.

۳. راه حضرموت - نجران؛ که در قرن المنازل با راه دوم یکی می شود و از آن عبور می کند. (یاقوت حموی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ البکری، ج ۳، ص ۹۵۹ و ج ۴، ص ۱۳۰۴) گفتنی است، راه مورد نظر در این بحث، راه تهامه است و منازل بین راه آن بدین ترتیب است: صنعا، جازان، لیث، یلملم، مکه. با توجه به نزدیکی این میقات به دریای سرخ، از این میقات می توان در بحث محاذات افرادی که از راه دریا به مکه مشرف می شوند، بسیار سود برد.

اثبات میقات یلملم

اقوال فقها؛ شیخ صدوق در المقنع (ص ۲۱۷)، الهدایه (ص ۲۱۸)، فقه الرضا (مروارید، ص ۴)، سلار (ج ۱، ص ۱۰۶)، شیخ طوسی (۱۴۰۷ق.، ص ۲۱۰)، ابوصلاح حلبی (ج ۱، ص ۲۰۲)، ابن زهره (ج ۱، ص ۱۵۴)، محقق (ج ۱، ص ۲۴۱)، علامه (حلی، ج ۱، ص ۴۱۶)، «شهید اول (ج ۱، ص ۳۴۰)، «صاحب ریاض (طباطبایی، ج ۶، ص ۱۱) و دیگران بر میقات یلملم برای اهل یمن تصریح دارند. تا جایی که «مرحوم نراقی» و «صاحب مستمسک» ادعای عدم خلاف در مسأله کرده اند.

به طور کلی، فقهای عظام به میقات بودن یلملم و صحت احرام از آن جا فتوا داده اند و در این باره در میان آنها اختلافی نیست. اکثر قدما در عباراتشان آورده اند: «ولأهل الیمن یلملم».

اهل سنت نیز بر میقات بودن یلملم اتفاق دارند. (الموسوعة الكويتیه، ج ۲، ص ۱۴۷؛ ابن منذر، ص ۴۵) مبنای آنان روایات جابر (ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۲)، ابن عباس (بخاری، ج ۲، ص ۱۴۲)، عایشه (النسائی، ج ۵، ص ۱۲۵) و ابن عمر (احمد حنبلی، ج ۲، ص ۳) است.

ادله مسئله: روایات صحیح و مستفیضه بر میقات بودن یلملم دلالت دارد (نراقی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۱، ص ۱۸۱) صحیح ابو ایوب الخراز، «و وقت لأهل الیمن یلملم» (حرّعاملی، ۱۴۰۳ق.، ج ۸، ح ۱، ص ۲۲۲)؛ صحیح معاویه بن عمار، «و وقت لأهل الیمن یلملم»

(حرعاملی، ۱۴۰۳.ق.، ج ۸، ح ۱، ص ۲۲۲)؛ صحیح حلبی، «وَوَقَّتْ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلِمُ» (حرعاملی، ۱۴۰۳.ق.، ج ۸، ح ۱، ص ۲۲۲) و همچنین روایات پنج، شش و نهم باب یک ابواب مواقیات بر میقات بودن یلملم برای اهل یمن دلالت روشن و کافی دارد. با توجه به اینکه اسناد این روایات قبلاً طرح شد، از طرح دوباره آن خودداری می‌شود.

روایات معارض

در برخی از احادیث، میقات مردم یمن، قرن المنازل معرفی شده است؛ مانند حدیث صحیحی که عبدالله بن جعفر در کتاب قرب الاسناد از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمودند: درباره میقات‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم معین کرده، پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: «...وَوَقَّتْ لِأَهْلِ الْيَمَنِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ» (حمیری، ص ۱۶۴؛ حرعاملی، ج ۸، ح ۱، ص ۲۲۳) و در روایت علی بن جعفر نیز آمده است: عبدالله بن جعفر فی قرب الاسناد عن عبدالله بن الحسن، عن جده علی بن جعفر، عن اخیه موسی بن جعفر علیه السلام قال: «وأهل اليمن من قرن.» (حمیری، ص ۱۶۴؛ حرعاملی، ج ۸، ح ۱، ص ۲۲۳).

روشن است که تعارضی بین روایات نیست؛ چرا که ممکن است و بلکه در واقع نیز چنین است که یمن دارای دو راه است؛ یکی از طائف و قرن‌المنازل و دیگری که از دریا می‌گذرد، از یلملم است. نتیجه اینکه روایاتی که میقات اهل یمن را قرن‌المنازل معرفی کرده است مراد راه خشکی یمنی‌ها می‌باشد و روایاتی که می‌گویند میقات اهل یمن یلملم می‌باشد راه دریایی یمن را بیان کرده است.

به بیان دیگر؛ در احادیثی که در آنها میقات اهل یمن، یلملم معرفی شده، مقصود میقات کسانی از اهل یمن است که از راه تهامه - راه ساحلی کنونی و راه اول از راه‌های سه گانه - سفر کنند. اما احادیثی که میقات اهل یمن را قرن‌المنازل معرفی کرده، مقصود میقات کسانی است که در حرکت از یمن، از دو راه دیگر که از قرن‌المنازل عبور می‌کند - راه صنعاء، صعده و راه حضرموت، نجران - یا از هر راه دیگر که از طائف عبور می‌کند، سفر کنند. بدین ترتیب این دو دسته احادیث، شامل تمام راه‌هایی می‌شود که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

یا در قرون بعدی تا زمان ما، از یمن به مکه منتهی می شده و یا خواهد شد. شاید کسی مدعی شود، نیازی به جمع بین روایات نباشد؛ زیرا معصوم علیه السلام در مقام تحدید و حد تام نیست تا اینکه وقتی می فرمایند میقات یمنی ها یلملم است یعنی غیر آن نمی تواند میقات باشد. اگر هم تعارضی باشد تعارض غیر مستقر است، لذا جایی برای این اشکال نیست که گفته شود؛ این «جمع تبرعی» است.

در پاسخ می توان گفت: با توجه به اینکه این روایات در صدد اثبات مواقیت مردمان شهرها است و نه اثبات اصل میقات، مبنای طرح شده، دارای خدشه است. گفتنی است، به فرض پذیرش تعارض بین روایات، هر دو روایت معرض عنها بوده و کسی بدان فتوا نداده است و طبیعی است که در مقام تعارض نمی توانند با چیزی که اجماع بر آن قائم است معارضه کنند. همچنین آنچه موجب تأمل است این است که این دو روایت، فقط در کتاب «قرب الاسناد» ذکر شده است.

البته مراد این نیست که هر حدیثی در کتب اربعه نیامده و فقط مثلاً در کتب دیگر؛ مانند قرب الاسناد آمده، دارای خدشه است؛ زیرا پذیرش این دیدگاه، موجب سقوط بسیاری از روایات است و هیچ کس بدان معتقد نیست؛ بلکه مراد صرفاً یک تشکیک علمی است و یک پرسش برای تأمل است که چرا این دو روایت فقط در یک کتاب ذکر شده و دیگر محدثین؛ از جمله کتب اربعه از نقل آن خودداری کرده اند و شاید قرائنی در اختیار آنان بوده و بعید است چنین عدم نقلی صرفاً تصادفی بوده باشد.

گفتنی است، صاحب وسائل الشیعه، باب پانزدهم از ابواب المواقیت را به «بَابُ أَنْ كُفِّلَ مَنْ مَرَّ بِمِيقَاتٍ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِحْرَامُ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ» اختصاص داده است. روایت یکم (حرعاملی، ۱۴۰۳ق.، ج ۸، ح ۱، ص ۲۴۰) این باب قرینه بسیار خوبی بر تقویت مبنای عدم تحدید و بیان حد تام در نام بردن از مواقیت و مردمان آن دارد. عبارت «وَمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا» تمام اهل دنیا را شامل می شود. در واقع، اگر تحدید تام بود، نباید کسانی که در ماورای مدینه می باشند؛ مانند ایران و افغانستان، میقاتشان ذوالحلیفه باشد و همچنین نباید ذوالحلیفه میقات «من اتی علیها» باشد. همچنین از اطلاق روایات توقیت مواقیت پنجگانه فهمیده می شود که این میقات ها برای افرادی از این اماکن است که از

آنجا بگذرند. بنابراین، هر کسی از هر میقاتی بگذرد، باید از همان جا محرم شود، هر چند وطن و زادگاهش جای دیگر باشد.

نتیجه گیری

افرادی که از شرق مکه (طائف) به سوی مکه رهسپار می شوند، می توانند در قرن المنازل و یا در همان مسجد روستای «سیل الکبیر» احرام ببندند. این روستا در اتوبان ریاض - مکه و در هفتاد و پنج کیلومتری مکه قرار دارد. این زائران باید در منطقه حویه، به سمت راست منحرف شده با عبور از طائف به سیل صغیر و سپس به سیل کبیر بروند. در صورتی که افرادی آن مسیر را به سمت طریق المطار و سپس به طریق المؤتمرات و در نهایت به طریق الهدا، ادامه دهند به «وادی محرم» منتهی خواهند شد که اطلاق قرن المنازل بدان جا مشکل است و ظاهراً آن مکان، محاذات و همراستای قرن المنازل است و نه خود قرن المنازل.

میقات یلملم نیز در راه اتوبان تهامه قرار دارد و افرادی که از یمن عازم مکه هستند از این میقات عبور می کنند. این میقات می تواند گره گشای مشکلات کسانی باشد که از راه دریای سرخ به مکه می آیند.

اثبات حکم فقهی میقات بودن قرن المنازل و یلملم مسلم و مورد اتفاق همه فرق مذاهب اسلامی بوده و زائران برای ورود به مکه مکرمه جهت انجام مناسک حج و عمره می توانند از آنجا احرام ببندند.

منابع

۱. إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، حلی، تحقیق: شیخ فارس حسون، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۱۰ق.
۲. البحوث الفقهية المعاصرة، مواقيت الحج الزمانية و المكانية دراسة فقهية، جغرافية، تاريخية، دكتور عبدالوهاب ابراهيم ابوسليمان و دكتور معراج نواب مرزا، سال ۸، عدد ۲۹، سال ۱۴۱۶ق.
۳. تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، حلی، تحقیق: محمد هادی یوسفی غروی، تهران، مؤسسه طبع و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴. تهذيب اللغة، محمد بن احمد ازهری، تحقیق: عمر سلامی و عبد الکریم حامد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۵. تهذيب الأحكام، ابو جعفر محمد بن حسن، طوسی، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۶. جامع المقاصد فی شرح القواعد، علی بن حسین عاملی، کرکی، محقق ثانی، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۷. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن بن باقر نجفی، تحقیق شیخ عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، جعفر سبحانی تبریزی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۲ش.
۹. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی، تحقیق شیخ محمد تقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۱۰. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلّی، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۱. الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، محمد بن مکی عاملی، شهید اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۲. ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، طباطبائی، تصحیح محمد بهر مند، محسن قدیری، کریم انصاری، علی مروارید، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۱۳. سلسله الینایع الفقهیة، علی اصغر مروارید، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۳۷۱ش.
۱۴. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی أبو عبد الله ابن ماجه، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي.
۱۵. سنن النسائی، النسائی، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۶. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جعفر بن حسن محقق حلّی، تحقیق: عبد الحسين محمد علی بقال، اسماعیلیان، قم.
۱۷. الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۸. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج نيسابوری، دار الفكر، بیروت.
۱۹. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه قمی، شیخ صدوق، قم، کتابفروشی داوری، بی تا.
۲۱. غنیة النزوع، ابن زهره الحلبي، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
۲۲. فتاوی و رسائل سماحة الشيخ محمد بن ابراهیم، مکه المکرمة، مطبعة الحكومة، ۱۳۹۹ق.
۲۳. فصلنامه میقات حج، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. شماره ۱۵
۲۴. القاموس المحيط، محمد بن یعقوب فیروز آبادی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۵. قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، کتاب فروشی نینوا، تهران.

۲۶. قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، علامه حلی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۷. الكافي، الكليني، به كوشش غفاري، بيروت، دار التعارف، ۱۴۱۱ق.
۲۸. كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، محمدبن حسن بن محمد فاضل هندی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۹. مبادئ علم الفقه، عبدالهادی فضلی.
۳۰. مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، محمدبن علی موسوی عاملی، بیروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق.
۳۱. المراسم العلوية في الاحكام النبوية، أبي يعلي حمزة بن عبد العزيز الديلمي، تحقيق: محسن الحسيني الاميني، المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام المعاونة الثقافية، ۱۳۷۲ش.
۳۲. مرآة الاطلاع على اسماء الامكنة و البقاع، عبد المؤمن بن عبد الحق ابن عبد الحق، تحقيق علی محمد بجاوی، دار الجیل، بیروت.
۳۳. المسالك و الممالك، ابراهيم بن محمد اصطخری، دار صادر، بیروت.
۳۴. مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، شهيد الثاني، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۵. مستمسك العروة الوثقى، سيد محسن، طباطبائی، حكيم، قم، مؤسسه دارالتفسير، ۱۴۱۶ق.
۳۶. مستند الشيعة في أحكام الشريعة، مولى احمدبن محمد مهدي نراقي، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ق.
۳۷. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، أحمد بن محمدبن علی الفيومي المقرئ، المكتبة العلمية، بیروت، ۱۹۸۷م.
۳۸. المعتمد في شرح المناسك، ابو القاسم خويي، مقرر رضا خلخالی، منشورات مدرسه دار العلم، لطفی، قم.
۳۹. معجم البلدان، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله حموي، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۹م.
۴۰. معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، عبدالله بن عبد العزيز البكري، بيروت، عالم الكتب، ۱۴۰۳ق.
۴۱. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غيث البلادي، دار مكة، مؤسسه الريان، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
۴۲. المغازي، محمد بن عمر بن واقد السهمي الأسلمي بالولاء، المدني، أبو عبد الله، الواقدي، دار الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۴۳. مقاييس اللغة، ابن فارس، به كوشش عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۳۷۱ق.
۴۴. الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، دارالسلاسل - الكويت.
۴۵. الهداية في الأصول والفروع، محمد بن علی ابن بابويه، مؤسسه الامام الهادي عليه السلام، قم.
۴۶. وسائل الشيعة، محمدبن حسن بن علی عاملی، تحقيق رباني شيرازي، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.